



عرفان‌ها!

چالش روش‌شناسی با اکثر روش‌های
گوناگون عرفانی

دکتر احد فرامرز قراملکی

استیون کتز، سرآغاز چالش مؤثر با نظریه غالب پدیدارشناسان، روان‌شناسان و متاذهان در وحدت‌انگاری تجارب عرفانی (دینی) است. او بر اساس نظریه زمینه‌مندی تجارب عرفانی، روش گسائی چون «استیس» را در تمایز بین تجربه و تعبیر، مورد چالش و نقد قرار داد و بر اساس زمینه‌بندی تجربه و تعامل بین تجربه و تعبیر، کثرت‌انگاری تجارب عرفان را مطرح کرد. مقاله حاضر مطالعات کتز را در ترازوی روش‌شناسی مورد ارزیابی قرار می‌دهد و هر چند در اساس با نظریه زمینه‌مندی تجارب عرفانی موافق است اما ناچاراً بهیچ‌راکه کتز از آن اخذ می‌کند قابل مناقشه می‌داند.

طرح مسئله

گزارش‌های فراوان از تجربه‌های عرفانی در فرهنگ‌های گوناگون بشر در طول تاریخ و برآیند نظریه‌های معرفتی، مبنی به نام عرفان و لامبسی چند ضلعی و قابل پژوهش در زندگی بشری است. مطالعات اخیر دین‌پژوهی و عرفان‌پژوهی این واقعیت چند ضلعی را در گستره‌های گوناگون روش‌شناسی، جامعه‌شناسی، تاریخ، معرفت‌شناسی و پدیدارشناسی مورد تحلیل قرار می‌دهند. این مطالعات مسایل بسیاری را به میان آورد در این میان، دو مسئله در الهیات و کلام جدید دین‌پژوهی، به ویژه در مطالعات معطوف به گفتم‌گویی ادیان اهمیت زیادی دارد.

۱- مسئله گوناگونی یا یکسانی تجارب عرفانی (یا تجارب دینی).
۲- مسئله حکایت‌گری آن‌ها از واقعیت منمائی، مانند خط این دو مسئله، به‌علی‌که بیان خواهد شد (البته نه به نحو موجه و منطقی) همسر نوشت تلقی‌شده به گونه‌ای که در غالب صورت‌بندی‌هایی که از مسئله‌ارایه می‌شود، رخنه منطقی و

خطای روشی موسوم به پرسش مرکب یا چنج مسایل در مسئله واحد وجود دارد. ظاهراً تجارب عرفانی گوناگون و حداقل - به ظاهر متفاوت نوع بشر همگی نظریه واقعیتی واحدند؟ به تعبیر دیگر، آیا می‌توان در ورای تمایز مختلفه هسته‌های مشترک با چهره‌های واحد یافت که تجربه‌ها حاکمی از آن هستند؟

غالب تحقیقات پیش‌پیمان از روش‌شناسان و پدیدارشناسان، پاسخ مثبت به این سؤال مرکب ارائه می‌کند اما موضع کتز گرایه کتز با مساله تجربه عرفانی، آن گونه که وی خود تعبیر می‌کند، چالش نویسی است که در اواخر دهه هفتاد سده پیشین در نقد نظریه‌های رایج در تفسیر تجارب عرفانی به میان آمد و به این مسئله مرکب پاسخ منفی داد.

مقاله حاضر با پذیرفتن انتقادهای کتز (متولد ۱۹۴۴م. در آمریکا) نسبت به نظریه‌های رقیبش و قبول برهان‌های نو نتیجه‌ای را که وی از شواهد و دلایل خود برگرفته است به چالش می‌گیرد. با همان دقت روش‌شناختی که کتز در نقد دیدگاه رقیب به کار بسته است، دیدگاه او را نیز می‌توان مورد نقد قرار داد و آن را از دید منطقی و ضوابط روش‌شناسی، شتاب‌زدگی در استدلال و دلیل‌بنداری آنچه دلیل نیست (بازماند پس‌پایه‌عالم) خواند.

تجارب عرفانی

این مقاله با تشریح تجربه عرفانی آغاز نمی‌شود اما دلیل آن همان نیست که کتز بر اساس آن از راه تعریف تجربه دینی خودداری می‌کند کتز در هیچ‌یک از آثار خود به از راه تعریف تجربه دینی نپرداخته است، زیرا بر اساس نظریه زمینه‌مندی تجربه عرفانی او از عرفان به عرفان‌ها سوق می‌دهد (کتز، ۱۹۸۲، ص ۴) به گونه‌ای که دست‌پایی به تشریح پیش و کم‌یکسان و قابل اخلاق بر آن‌ها است. نیست این مشکلی است که در تعریف دین نیز با آن روبرویم.

کسانی چون هیک براین باورند که با الگوی مشابهت شناختی و تکنشاین می‌توان به مفهوم‌سازی در این مقام رسید. دلیل ماهر اجتناب از راه تعریف تجربه عرفانی این است که هر گونه مفهوم، بوی از تجربه عرفانی متأثر از موضع فرد نسبت به مسئله مورد تحقیق حاضر است. بر حسب انتخاب یکی از دو دیدگاه ساختارگرایانه یا ذات‌گرایانه دو گونه تعریف از تجربه عرفانی می‌توان ارائه کرد: ذات‌گرایان، غالباً بی‌واسطه بودن را در تعریف مدنظر دارند در حالی که ساختارگرایان آن را نمی‌کنند.

نظریه‌های وحدت‌گرایانه

مطالعه کسی چون ویلیام جیمز (۱۸۴۲-۱۹۱۰) فیلسوف و روان‌شناس آمریکایی در اثر پسر او، «شش گوناگونی تجارب دینی» (۱۹۰۲)، پژوهش منظم و بینا فرهنگی و تفسیر تراس استیسی (۱۸۸۶-۱۹۶۷) فیلسوف آمریکایی متولد فاکلستان در عرفان و فلسفه مطالعات پدیدارشناختی ویلیام آ. ستون در ادراک خدا (۱۹۹۱) مطالعات تجربی و روان‌شناختی رالف هود (۱۹۹۶) در روش‌شناسی دین، با تکیه بر وجه مشترک میان تجارب عرفانی (و در برخی تحقیقات تجارب دینی) به این مسئله که آیا تجارب عرفانی (دینی) به جای گوناگونی از یکسانی، برخوردارند پاسخ مثبت دادند. استیسی با بررسی وسیع تجارب عرفانی در فرهنگ‌های مختلفه ویژگی‌های هفت‌گانه‌ای را می‌یابد که می‌توانند هویت تجربه واحد عرفانی را شکل دهند. وی معتقد است با دو نظریه رقیب در تفسیر تفاوت‌های بسیار در تجارب عرفانی، به نحو منابع خلوص و برهستگی:

۱. متفاوت‌انگاری تجارب عرفانی در پیمان و اساس و ظاهری داشتن شباهت‌ها.

۲. یکسان‌انگاری تجارب عرفانی و رایج تفاوت‌ها به امور عارضی و عرضی.

استیسی بدون طرح این تأمل روشی که آیا مسئله واقعاً به نحو مانده‌انگاری است و یا پابین بست موهوم، مواجه هستیم، یا تمایز تجربه و تعبیر، نظریه دوم را اخذ می‌کند. عصاره مسیعی بر وفق اصول عقاید از پیش موجود (تعبیدی) مسیحیت که با آن ریل آمده هندو بر وفق قدیسه و تفکر ویزه‌هندی و بودایی بر مبنای مفاهیمی که احتمالاً از آیشخوری‌های پیش از آریاییان سرچشمه گرفته، یا دست‌کم برخی از آن‌ها ساخته و پرداخته خود بوده‌اند است. تجربه خود را تعبیر می‌کنند و در کل سه تعبیر نامزگانه از تجربه واحد.

استیسی نیز وقتی پیش و کم نزدیک به استیسی دارد، او وجه مشترک همه تجربه‌ها را در سه عنصر می‌داند که بر اساس تمایز این محتوای تجربه‌های عرفانی (دینی) و درک فرد از محتوای تجربه‌ها، تفاوت‌های بسیاری را به صورت ادراک برمی‌گرداند و محتوای تجربه‌ها را یکسان می‌نگارد.

مسئله دوم در هم تکیه با یکسان‌انگاری تجارب عرفانی نیز پاسخ مثبت می‌یابد همان گونه که تئ. جیه‌لین یکی علت ادراک حسی انداختن علت ادراکات عرفانی است.

طبقه‌بندی کتز از دیدگاه‌های وحدت‌گرایانه

کتز در آغاز مقاله «زبان معرفت‌شناسی و عرفان» (۱۹۷۸) که از نخستین تأملات منجر شده نو در تجارب عرفانی است، تمایز تجربه عرفانی و تعبیر آن و نیز نسبت این دو را به دقت بررسی می‌کند و تجربه و تعبیر را به سه گروه عمده طبقه‌بندی می‌کند و آن‌گاه هر سه را مورد چالش قرار می‌دهد تا به تعبیر اولیه‌های برای به رسمیت شناختن تفاوت‌ها داشته باشد.

نظریه نخست همه تجارب عرفانی را همانند می‌داند توصیف‌های عرفان از تجربه‌های خود بر مبنای این نظریه، بازنتاب تشابه و یکسانی نهایی است که از اختلاف دینی و یا فرهنگی فراتر می‌رود.

نظریه دوم، همه تجارب عرفانی را همانند می‌داند، از نظر طرفداران نظریه سوم، گزارش‌های عرفان، درباره تجربه‌هایشان با محدودیت‌های فرهنگی مواجه است. از این رو آن‌ها نمونه‌های معیسه فرهنگی حسی خود را برای توصیف تجربه‌هایشان استفاده می‌کنند. کتز این دیدگاه را ذات‌گرایان یا تحویلی‌نگری ظلت‌گرایانه می‌خواند بر مبنای نظریه سوم، تمام تجارب عرفانی را می‌توان به دسته‌های کوچک‌تری از انواع تقسیم کرد که فراتر از محدودیت‌های فرهنگی اند. از این رو زمانی که طرف برای توصیف تجارب خود به کار می‌برد از لحاظ فرهنگی، تعیین می‌یابد اما خود تجارب چنین نیستند. کتز تحقیقات استیسی، اسامی و وزن را از این دسته می‌نگارد و حاصل آن‌ها را از دیدگاه پدیدارشناختی و نیز فلسفی، مشکوک می‌نگارد.

نقد کتز بر دیدگاه وحدت‌گرایانه

مهم‌ترین چالش کتز با تحقیقات کسانی چون استیسی، نقد روش‌شناختی این گونه مطالعات است. وی روی آورد تحلیلی استیسی را در بررسی مفاهیم کلی تجارب عرفانی در فرهنگ‌های

